

المنطبعة فی الفارس نخستین نشریه شیراز

سیدفرید قاسمی

یکصد و بیست و هشت سال قمری از انتشار مطبوعات در شیراز می‌گذرد. در این مدت نزدیک به دوپست عنوان نشریه ادواری در این شهر چاپ و منتشر شده است. نخستین نشریه چاپ شیراز المنطبعة فی الفارس نام دارد که بعضی از پژوهشگران متقدم با عنوانهای «الفارس فی المنطبعة ۱۲۸۹»، «الفارس المنطبعة فی ۱۲۸۹»، «الفارس» و «فارس» نام آن در آثار خود آورده‌اند. این نشریه تقریباً ۳۶ سال پس از طبع و توزیع نخستین نشریه ادواری چاپی ایران، که به همت میرزا صالح شیرازی کازرونی در تهران انتشار یافت، متولد شد. نخستین شماره المنطبعة فی الفارس، به مدیریت میرزاتقی کاشانی مشهور به «سرتیپ»، «محرر کاشانی» و «حکیم‌باشی» و متخلص به «حکیم» رئیس «دارالطباعه فارس» در روز یکشنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۸۹ قمری برابر با ۹ شهریور ماه ۷۹۴ جلالی و ۲۵ اوت ۱۸۷۲ میلادی با قطع ۴۰×۲۶ در پنج صفحه سه ستونی به دو زبان فارسی و عربی با چاپ سنگی در «دارالطباعه خاصه در خلوت آینه دارالایاله» فارس چاپ شد و بنا بر نوشته حکیم «در بلاد مختلفه هندوستان و ایران انتشار یافت». دو صفحه نخستین شماره این نشریه فارسی و سه صفحه آن عربی است. صفحه‌های فارسی با خط نستعلیق و صفحه‌های عربی با خط نسخ نگاشته شده‌اند.

«قیمت سالیانه روزنامه سه تومان» و «اداء قیمت [را] در دو قسط» مقرر داشته‌اند. «قیمت اعلان» نیز «سطری یکهزار دینار» تعیین شده است. در دو سوی عنوان و سرلوحه این نشریه شماره و تاریخ و محل نشر، «قیمت سالیانه» و نحوه «اداء قیمت» و «قیمت اعلان» قید شده است. افزون بر این، «محل فروش» و «هنگام قبول اخبار» را نیز در همان‌جا چنین نوشته‌اند: «محل فروش در کاروانسرای گمرک، حجرة حاجی سیدابراهیم تاجر اصفهانی» و «هنگام قبول اخبار از ظهر تا دو ساعت بغروب مانده».

سرمقاله نخستین شماره این نشریه که تمامی صفحه اول و نیم ستون از صفحه دوم را

در برگرفته، به قلم میرزاتقی حکیم‌باشی است. در این سرمقاله، یا به قول نگارنده آن «اعلام اول»، چگونگی صدور مجوز انتشار نخستین نشریه فارس، نحوه تعیین مدیر آن، اوضاع مطبوعات در بعضی از کشورهای جهان در آن روزگار، علت دو زبانه بودن المنطبعة فی الفارس و خط مشی این روزنامه، چنین آمده است:

دیرگاهی است که نشریه وقایع ممالک محروسه ایران منحصر به روزنامه ایران و اخبار مختلفه خارجه و داخله محدود و مندرج در آن بوده است تا در این روزگار خجسته آثار که از فرط توجه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه لوازم تمدن پیوسته در افزایش و اسباب تربیت عامه همواره در تکمیل است رأی مبارک همایونی بر آن شد که برای ترفیه عباد و اصلاح حال رعایای مملکت فارس به مفاد و لیکل عسر یسر فرمانفرمایی آن حدود را به حضرت مستطاب اشرف ارفع والا ظل السلطان مرحمت و عنایت فرماید. آن ملک‌زاده واجب‌التعظیم محض تربیت پارسیان از خاک پای مبارک همایونی درخواست نمود که در فارس که تختگاه سلاطین عجم و دیلم بود روزنامه مخصوصی به طبع رساند تا حوادث و وقایع هر یک از مضافات این مملکت مشروحاً علی‌التحقیق در آن مندرج کرد و روزنامه مزبور در نگاشتن بعضی از بیاناتی که تذکر آنها برای ترقی عامه ملت و انتشار مدنیت شایسته است آزاد باشد. این عرض به درگاه کیوان شکوه مقبول و پذیرفته شد. لهذا حضرت اشرف والا اجرای فرمان قضانشان را فرض و واجب دانسته بیدرنگ اسباب و لوازم این کار را به نوع کامل مهیا کرده و جان‌نثار را احضار نموده فرمودند: «مکنون خاطر من بر ترقی و درستی این کار است و درستی و نظم آن را از تو می‌خواهم، و بر تو لازم است که به هیچ وجه در مواظبت این کار تسامح و اهمال جایز نداری و هر ماهی چهار نمره روزنامه به اسم این مملکت به طبع رسانی». و در این خصوص تأکیدات بلیغ و فرمایشات متین فرمودند.

جان‌نثار چون رضای آن حضرت و ترقی ملت را در نظم این کار دید و از هر جهت اسباب را فراهم یافت سرقدم ساخته به خدمت شتافت و برای سهولت استدراک عربهای این حدود چنان مقرر شد که یک سمت از روزنامه را به زبان عربی ترجمه نماید تا منفعت آن شامل حال تمام افراد رعایای این سامان تواند باشد. اگرچه به روزگار دیرین عده روزنامه‌های ممالک خارجه مانند زمان ما متعدد نبوده است لیکن اکنون ترقی ملل متمدنه، که منشاء تربیت و خیراندیشی عامه طوایف و ودایع حضرت احدیتند، به جانی رسیده است که برای انتفاع عامه و خاصه ملت و انتشار اخبار و وقایع بدیعه و صنایع غریبه و قوانین و تنظیمات جدید و اصلاح نفوس و طبع همواره کمال مواظبت را مرعی می‌دارند و عده‌ای روزنامه‌های خود را قریب روزی شش هزار رسانیده‌اند و این شیوه پسندیده را بهترین اسباب بصیرت عامه و

نیکوترین راه ترغیب و دعوت به سوی مدنیت دانسته‌اند. پس بر هموطنان ما لازم است که این رسم نیکو را که مبنی بر مصالح معظمه است لغو و بیهوده نپندارند و حتی‌المقدور در ترویج روزنامه‌هایی که مشتمل بر اخبار مفیده و مطالب معظمه و علوم بدیعه است کوشش نمایند تا به تدریج ملت ما چون روزگار نیاکان خود رشک تمام ملل و غیرت سایر دول گردد و متزایداً بر تکمیل صنایع و علوم تجارت و فلاح و آبادی مملکت و آسایش و رفاهیت و نظم و مکننت و قدرت عامه و خاصه بیفزاید [...]».

اخباری که در روزنامه فارس متوالیاً مرقوم می‌شود بر دو گونه‌اند: اخبار داخله مملکت و توابع و مضافات ایالت مخصوصه فارس و اخبار خارجه که بنا بر انتخاب روزنامه‌نگار از روزنامه‌های دول خارجه استقراض می‌شوند. نوع نخستین چون مبنی بر اطلاعات شخصیته خود و اجزاء حکومت است لهذا در کمال صحت و بدون کذب و خلاف خواهد بود لیکن صحت و سقم اخبار منتخبه از روزنامه‌های خارجه بعهده منشیان همان روزنامه‌هاست و روزنامه‌نگار را در این خصوص هیچگونه ضمانتی نیست. (ش ۱، ۲۰ جمادى‌التانى ۱۲۸۹ق، ص ۱ و ۲).

عنوانهای مطالب دو صفحه فارسی نخستین شماره المنطبعة فی‌الفارس، که عیناً در سه صفحه به زبان عربی نیز ترجمه و ارائه شده، از این قرار است: «اخبار رسمیه دربار همایون»، «بلاد محروسه»، «داخله فارس»، «اخبار خارجه غیررسمیه»، «هندوستان»، «چین» و «اعلان دوم» که در این «اعلان» به صراحت عنوان شده است «فراش روزنامه سوای اخذ قیمت مخصوص» نمی‌تواند چیز دیگر مطالبه نماید.

«نمره دوم» المنطبعة فی‌الفارس با همان ویژگیها در شش صفحه - سه صفحه فارسی و سه صفحه عربی - در غره رجب ۱۲۸۹ق انتشار یافته است. عنوانهای مندرجات «نمره دوم» چنین است: «اخبار رسمیه»: خبرهایی از «دربار همایون» و «فارس»، «تفصیل ورود حضرت مستطاب اشرف افخم والا شاهنشاه اعظم ظل‌السلطان به شیراز»، «اخبار مختلفه به تبریز» و «جواب» آن زیر عنوان «از تبریز به شیراز»، «اخبار طبیه»، «اخبار خارجه غیررسمیه» مشتمل بر خبرهایی از «عثمانی»، «هندوستان»، «چین»، «امریکا»، «کابل» و قصیده میرزا احمد متخلص به وقار «در تهنیت ورود [...] ظل‌السلطان به شیراز» که جز قصیده وقار بقیه مطالب به عربی برگردانده شده‌اند.

در این شماره میرزاتقی حکیم‌باشی نوشته است:

نخستین نمره این روزنامه را چون جان‌نثار دولت ابد مدت قاهره علیّه به ملاحظه جناب فخامت نصاب حاجی ظهیرالدوله رسانید معزی‌الیه محض ترویج روزنامه و

تشویق عامه مردم در اقدام به تربیت این چاکر درگاه کیوان شکوه را به اعطای یک طاقه شال کشمیری مخلع فرمودند. (ش ۲، غره رجب ۱۲۸۹ق، ص ۲).

«نمره سوم» المصطبة فی الفارس در شش صفحه تاریخ ۸ رجب ۱۲۸۹ق را دارد و حاوی اخبار «فارس»، «اخبار طیبه»، «اخبار خارجه غیررسمیه» و دو آگهی با عنوانهای «اشتهار» و «الاعلان» است. زیر عنوان «الاعلان» آورده‌اند: «چون چنین مقرر شده است که سوای وزراء عظام و شاهزادگان واجب‌الاحترام برای هیچکس القاب ننویسند لهذا روزنامه‌نگار اصلاً مورد ایراد نخواهد شد». (ش ۳، ۸ رجب ۱۲۸۹ق، ص ۳).

این شماره آخرین شماره‌ای است که از این نشریه به دو زبان فارسی و عربی انتشار یافته است. علت یکزبانه شدن آن در «نمره چهارم»، که در چهار صفحه در تاریخ ۱۴ رجب ۱۲۸۹ انتشار یافته، چنین ذکر شده:

از آن راهی که نوشتن عربی روزنامه و ترجمه آن اسباب تعویق و تعطیل نمره‌ها می‌شد و نگاشتن آن نیز چندان لازم نبود و زحمت مباشرین این عمل مضاعف می‌گردید لهذا چنین شایسته دیدند که نمره‌های آتی بدون ترجمه عربی باشد». (ش ۴، ۱۴ رجب ۱۲۸۹ق، ص ۴).

به دنبال حذف صفحه‌های عربی، یک صفحه به مطالب فارسی افزوده‌اند. این یک صفحه به موضوعات علمی، فرهنگی و تاریخی اختصاص پیدا کرد. درباره انگیزه درج این نوع مطالب می‌خوانیم:

اعلان [۱] چون منظور از طبع روزنامه و انتشار آن تربیت عامه ملت و افراد بندگان حضرت آفریدگار است لهذا چنین شایسته است که پس از این در هر نمره بتدریج بعضی مطالب مهمه و مسائل جدیده و علوم غریبه به طبع رسانیم تا بتدریج مایه بصیرت و اسباب ترقی عامه شود ... (همان، ص ۳).

نمونه این گونه مطالب «مسئله علمیه از تألیفات [...] میرزا تقی حکیم‌باشی است که پیشتر به وسیله وی تنظیم و در روزنامه ایران چاپ و منتشر می‌شد. همچنین سلسله مقالات میرزاتقی حکیم‌باشی درباره «موازنه روزگاریان ایران با ترقیات این زمان»، «در فواید دادگستری»، «فواید عدل و مساوات»، «تربیت اطفال»، و «ملاحظه حفظ صحت و وضع مکتبها و مدرسه‌ها و زبان آموزگار اطفال» در المصطبة فی الفارس مندرج است. «ترجمه نامه مبارک [...] امیرالمؤمنین علی [علیه‌السلام برای] مالک بن الحارث النخعی»، قصیده‌های

میرزا احمد متخلص به وقار، میرزا محمدتقی کاشانی، همای شیرازی، میرزا افسر، میرزا احمد نقیب، محمدخان دشتی از زمره مطالب غیرخبری این نشریه است.

تقسیم‌بندی اخبار المنطبعة فی الفارس از این قرار است: «اخبار رسمیة دربار همایون»، «بلاد محروسه» یا «اخبار داخله» حاوی خبرهایی از بندرعباس، بندر بوشهر، اصفهان، طهران، آذربایجان و کرمان؛ «اخبار رسمیة فارس» که گاه با عنوانهای «اخبار داخله شیراز» یا «فارس» یا «داخله فارس» آمده است؛ اخبار خارجه که عنوانهای «اخبار خارجه غیررسمیه»، «اخبار رسمیة خارجه»، «اخبار مختلفه خارجه» را دارد و مشتمل بر خبرهایی است از هندوستان، چین، عثمانی، امریکا، فرانسه، افغانستان، ترکستان، روس، ایتالیا، مصر و ... «اخبار مختلفه»، «اخبار طیبه» و «اخبار تلگرافی» نیز از دیگر خبرهایی است که در این نشریه درج شده است.

آگهی در المنطبعة فی الفارس با عنوانهای «اعلان»، «الاعلان» و «اشتهار» چاپ شده است. نمونه این «اعلان»ها عیناً نقل می‌شود:

اشتهار: [ا] کشتی بخار دولت علیة عثمانیه ... در دهم رمضان المبارک در بندر ابوشهر وارد خواهد گردید و در نیمه رمضان به جانب مکه معظمه روانه خواهد شد، و به قدر گنجایش کشتی، زوار بیت‌الله الحرام را حمل و نقل خواهد نمود. هر کس اراده مشرف شدن به مکه معظمه دارد باید در موعد مزبور در بندر مذکور حاضر باشد. (ش ۳، ۸ رجب ۱۲۸۹ق، ص ۳).

«نمره بیستم» این نشریه در روز یکشنبه ۱۲ ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۹ قمری برابر با ۲۹ دی ماه ۷۹۴ جلالی و ۱۲ ژانویه ۱۸۷۳ میلادی منتشر شده است. از آغاز صفحه اول تا پایان صفحه سوم این شماره در بردارنده «اخبار داخله»: شیراز و بندر بوشهر؛ «اخبار خارجه»: ایتالیا، هند و ...؛ «اخبار طیبه» مشتمل بر خبرهایی از کشورهای جهان از جمله امریکا، هندوستان و ... یک خبر «طیبه» از شیراز و «بقیه مسئله علمیه در چگونگی خلقت زمین» است. صفحه چهارم «نمره بیستم» سفید است.

نگارنده، تصویر بیست شماره از المنطبعة فی الفارس را در اختیار دارد، و آخرین شماره این نشریه را در کتابخانه‌های معتبر کشور و بعضی از مجموعه‌های غنی خصوصی تاکنون نیافته، اما مدت حیات این نشریه را حکیم در زندگینامه خود چنین آورده است: به‌هنگام اقامه در شیراز، بنا بر اراده حضرت شاهزاده اعظم، روزنامه مخصوصی به اسم فارس به طبع رسانیدم چنانکه یک سال برقرار و در بلاد مختلفه هندوستان و ایران انتشار داشت. در سال ۱۲۹۱ هجریه از شیراز [به اصفهان رفتم]. (نسخه خطی، صص ۱۵-۱۶).^۱

۱. از محقق گرامسی جناب آقای محمد گلین که نسخه خطی زندگینامه میرزا تقی

میرزا تقی حکیم‌باشی سرگذشت و چگونگی تعطیل شدن المنطبعة فی‌الفارس را در نخستین شماره فرهنگ چاپ اصفهان این‌گونه نوشته است:

بنده نگارنده که اکنون زیاده از نه سال است به شرف چاکری و ملازمت آستان مبارک حضرت مستطاب اشرف اسعد والا شاهنشاه زاده اکرم افخم ظل‌السلطان سلطان مسعود میرزا، دامت شوکته و عظمته، قرین مفاخرت و مباحاتم به روزگار فرمان‌فرمائی شاهنشاه زاده معظم در مملکت فارس جریده حوادث و صحیفه وقایع آن مرز و بوم را به سال ۱۲۸۹ هجری به نوعی شایسته به طبع رسانیده منتشر می‌ساخت. جمعی از هموطنان و گروهی از غیرتمندان را دلپسند و بعضی از دانشمندان نیکونهاد و برخی از بخردان پاک‌نژاد را از دور و نزدیک مطلوب و مرغوب افتاده بود. یکسال پیوسته تکمیل و انتشار روزنامه فارس روزافزون بود تا اینکه شخصی عاری از انصاف و حقوق بشریت و بری از صفات تمدن و لوازم تربیت، محض اغراض شخصی و تصورات بهیمی، زحمت یکساله مرا به هدر کرد؛ ارباب دانش و اصحاب بینش را که از فواید محاسن آن صحیفه خبیر و بصیر و به نتایج شریفه آن امیدوار بودند مرفوع‌الخیال و مکدرالحال کرده مرا از طبع روزنامه ممنوع و فارغ‌البال نمود. هر تن از هوشمندان زمان زبان به تشنیه او گشوده و هر کس از اخوان‌الصفا به تقبیح وی آغاز کردند. دیری نگذشت که اثر افعال ناصوابش دامگیر و فساد حقیقتش ظاهر و هویدا شد. خدایش به کيفر رسانید و یزدانش مجازات بخشید. پنداری که به گور رفت و جان برد. حسابش با کرام‌الکاتبین است. پای آمال و امانیش به سنگ برآمد و روزگار زندگانش به سر رسید. نه از رفتارش اثری و نه از بازماندگانش خبری است. بربدون لیطفنوا نورالله بافواهم والله متم نوره. فحمداً له ثم حمداً له. (فرهنگ، ش ۱، ۲، جمادی‌الاول ۱۲۹۶ق، ص ۱).